

رای شماره 3104225 هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری با موضوع: بخشنامه شماره د/200/43071 مورخ 1401/7/16 سازمان امور مالیاتی کشور ابطال نشد

هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی

* شماره پرونده: ه ت/ 0200213
شماره دادنامه سیلور: 140231390003104225 تاریخ: 1402/11/28
* شاکی: آقای نیما غیاثوند
* طرف شکایت: سازمان امور مالیاتی کشور
* موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره د/200/43071 مورخ 1401/7/16 سازمان امور مالیاتی کشور

* شاکی دادخواستی به طرفیت سازمان امور مالیاتی کشور به خواسته ابطال بخشنامه شماره د/200/43071 مورخ 1401/7/16 سازمان امور مالیاتی کشور به دیوان عدالت اداری تقدیم کرده که به هیأت عمومی ارجاع شده است متن مقررہ مورد شکایت به قرار زیر می باشد:
بخشنامه شماره د/200/43071 مورخ 1401/7/16 سازمان امور مالیاتی کشور
پیرو بخشنامه شماره 200/1401/10 مورخ 1401/2/10 موضوع تفویض اختیار بخشودگی جرایم قابل بخشش، به اطلاع می رسد:

به منظور تسریع در قطعیت پرونده های مالیاتی و جلوگیری از تطویل فرآیند دادرسی مالیاتی، اختیار بخشودگی جرایم قابل بخشش در مواردی که مؤدیان محترم حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ صدور این نامه نسبت به انصراف از اعتراض خود (اعتراض بعمل آمده تا تاریخ این نامه) در هر مرحله از دادرسی و پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی اقدام نمایند، به میزان صد در صد به مدیران کل امور مالیاتی تفویض می گردد.

داود منظور - رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

* دلایل شاکی برای ابطال مقررہ مورد شکایت:

با عنایت به نص ماده 257 ق م م که به هیات همعرض مشهور می باشد که در مرحله بعد از نقض قطعیت مالیات و برگشت به مرحله مالیات تشخیصی صورت می پذیرد و اینکه تشکیل مرجع فرجام خواهی ماده 257 ق م م پس از صدور آرا از دیوان عدالت اداری یا شورای عالی مالیاتی در صورت نقض رای کمیسیون حل اختلاف تشکیل می گردد.

لذا بدیهی می باشد به دلیل حکم ورود به شکایت و نقض آرا حل اختلاف مالیاتی که موثر به ایجاد مرحله تشخیص میباشد و حاکمیت ایجاد می نماید. و قید عبارت (تسریع در قطعیت پرونده) جهت هیاتهای حل اختلاف بدوی - تجدید نظر - هیات همعرض ماده 257 قانون مالیات مستقیم استنباط می گردد که قبل از قطعیت تشکیل می گردند.

و همچنین قید عبارت (در هر مرحله دادرسی) که شامل تمامی مراجع فرجام خواهی قبل از قطعیت می گردند نباید شامل هیات حل اختلاف ماده 257 ق م م می گردد لذا جواز ورود به مرحله تشخیص و خروج از مرحله قطعیت در طی رای و حکم شورای عالی مالیاتی یا دیوان عدالت اداری به اثبات میرسد و تمکین به مالیات در این مرحله خارج از اختیار مودی میباشد به دلیل اینکه اجازه تمکین را به مرحله قبل از قطعیت اعطا مینماید که در هیات 251 ق م م خارج شدن از مرحله قطعیت با حکم ورود به شکایت میباشد و با وارد دانستن اعتراض نسبت به رای حل اختلاف مالیاتی دایر مدار می باشد.

با توجه به رای شماره 140109970906010393 مورخ 1401/06/21 هیات تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری در جهت جلوگیری از اقدامات اجرایی وفق ماده 259 ق م م جهت اخذ وثایق یکی از شرایط پرداخت یا ترتیب پرداخت مالیات میباشد که مشخص می باشد در شرایط قطعیت پرونده نیازی به تمکین مالیات نمی باشد.

بنا به مراتب فوق الذکر بخشنامه فوق الذکر مغایر با مواد 257 و 259 و بند الف ماده 58 آیین نامه موضوع ماده 218 ق م م می باشد و ابطال آن مورد استدعا می باشد.

* در پاسخ به شکایت مذکور، معاون دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی به موجب لایحه شماره 212/21854/ص مورخ 1401/10/7 به طور خلاصه توضیح داده است که:

بخشنامه مذکور در راستای بخشنامه شماره 200/1401/10 مورخ 1401/2/10 سازمان امور مالیاتی کشور صادر شده است و در بخشنامه اخیر الذکر نیز تصریح گردیده است که بنا به اختیار حاصل از مواد (167) و (191) «قانون مالیاتهای مستقیم»، اختیار تقسیط بدهی های مالیاتی و بخشودگی جرائم مالیاتی به مدیران کل امور مالیاتی تفویض می شود. بنابراین بخشنامه موضوع شکایت مربوط به تفویض اختیار بخشودگی جرایم با رعایت مقررات ناظر بر موضوع از جمله مواد یاد شده از «قانون مالیاتهای مستقیم» به مدیران کل امور مالیاتی ذی ربط جهت وصول به موقع حقوق حقه دولت و تعیین تکلیف پرونده های مالیاتی می باشد و در حکم بخشودگی کامل جرایم برای کسانی که از اعتراض خود صرف نظر نموده اند، نمی باشد.

هر چند که در بخشنامه موضوع شکایت عبارت «در هر مرحله از دادرسی» بکار برده شده است، لکن همان گونه که در صدر بخشنامه شماره 200/1401/10 مورخ 1401/2/10 تصریح شده، اجرای مفاد آن با رعایت سایر قوانین و مقررات ناظر بر موضوع است و برخلاف برداشت شاکی مراجع دادرسی مورد اشاره در بخشنامه مزبور صرفاً شامل اداره امور مالیاتی و هیاتهای حل اختلاف مالیاتی بدوی و تجدید نظر موضوع مواد 238، 244 و 247 قانون مالیاتهای مستقیم خواهد بود و مواردی را که در فرآیند دادرسی مالیاتی، هیأت حل اختلاف مالیاتی بر اساس آراء مراجع ذی ربط ملزم به رسیدگی نسبت به اعتراض مودی می باشد در بر نمی گیرد. بنابراین، مقررہ معترض عنه، ناظر به موردی نیست که رأی مورد شکایت توسط شعبه شورای عالی مالیاتی یا دیوان عدالت اداری نقض شده و در اجرای ماده (257) «قانون مالیاتهای مستقیم» پرونده امر جهت رسیدگی مجدد به هیأت حل اختلاف مالیاتی دیگر ارجاع می شود. هم چنین مفاد بخشنامه مورد درخواست ابطال، به موضوع ماده (259) قانون مذکور، قابل تسری نیست، چرا که رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی مورد شکایت مؤدی، به لحاظ تودیع وجه یا تضمین بانکی یا معرفی وثیقه ملکی به میزان مالیات مورد رأی یا معرفی ضامن معتبر، تا صدور رأی شورای عالی مالیاتی موقوف الاجرا می ماند. در بخشنامه مورد شکایت، قاعده ای برخلاف احکام قانون وضع نشده است.

به نام خدا

با لحاظ عقیده قضات عضو هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری در جلسه مورخ 1402/11/8 نسبت به مفاد پرونده کلاسه هـ ت/ 0200213 با استعانت از درگاه خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به انشاء رأی می نماید؛

رای هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری

با عنایت به اینکه مواد 167 و 191 از قانون مالیاتهای مستقیم، اختیار تقسیط و یا بخشودگی مالیات یا بدهی مالیاتی و جرایم متعلقه به سازمان امور مالیاتی داده شده است که با رعایت معیارهای مندرج در قانون در هر مورد اقدام نماید و حسب بخشنامه های متعدد، مقام ریاست سازمان در برخی موارد این اختیار خویش را به مدیران استانی سازمان، تفویض نموده است که این تفویض اختیار به موجب آرای هیأت تخصصی مالیاتی بانکی از جمله دادنامه شماره 2089462 مورخ 1402/8/14 مورد تأیید واقع شده است و در مصوبه مورد شکایت (بخشنامه شماره 200/43071 /د مورخ 1401/7/16، بیان داشته است اگر مودی معترض در هر مرحله از دادرسی، اعتراض خویش را مسترد نماید و انصراف دهد، و مالیات متعلقه را پرداخت یا ترتیب پرداخت دهد، با بخشودگی صد در صد جرایم، مواجه خواهد شد و این حکم مساعدت به مودیان بوده و امری اختیاری است و فرایند رسیدگی در ماده 257 (هیأت همعرض) قانون مالیاتهای مستقیم چه در اجرای رأی شورای عالی مالیاتی و چه در اجرای رأی دیوان، نیز خللی به این امتیاز وارد نمی کند، چون اصل استرداد دعوی و انصراف از شکایت و ادامه فرایند رسیدگی از اختیارات معترض و حقوق مبنایی وی می باشد و منافاتی با اجرای رأی دیوان یا شورای عالی مالیاتی ندارد، فلذا به استناد بند ب ماده 84 از قانون دیوان عدالت اداری مصوب 1402 رأی به رد شکایت صادر می نماید. رأی مزبور طرف بیست روز پس از صدور قابل اعتراض از ناحیه ریاست معزز دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات گرانقدر دیوان عدالت اداری می باشد.